

## استثمارستیزی در اشعار سیمین بهبهانی با تکیه بر نظریه اریک فروم

زهرا قنبرعلی باغنی<sup>۱</sup>، شهین اوجاق علیزاده<sup>۲</sup>

### چکیده

از دوران باستان تاکنون، حکومت‌ها با ایجاد پایگاه و گسترش فرهنگ در خارج از سرزمین خود در پی نوعی استعمار بر انسان‌ها بوده‌اند. یکی از جریان‌های ادبی معاصر، ادبیات مقاومت و استثمارستیزی است که شاعران در مقابل جریان‌های ضدآزادگی و ستم حاکمان خودکامه مردم را به ایستادگی تشویق می‌کنند. از دیدگاه فروم خودکامه‌گان و استثمارگران می‌توانند در تسلط بر جامعه و انسان‌ها موفق شوند، اما نمی‌توانند مانع ظهور واکنش در مقابل رفتار غیرانسانی خود باشند؛ بنابراین واکنش افراد جامعه می‌تواند باعث فروپاشی دستگاه استثمارگران گردد. سیمین بهبهانی، از شاعران معاصر ایران، سکوت را در مقابل حکومت دیکتاتوری پهلوی جایز نمی‌داند و با استفاده از اشعار خود در مقابل آنان به پا می‌خیزد. هدف از این پژوهش تحلیل استثمارستیزی جامعه‌شناختی در اشعار سیمین بهبهانی با تکیه بر نظریات اریک فروم است. روش تحقیق در این جستار تحلیلی - توصیفی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میان نظریه فروم و اشعار بهبهانی اشتراکات فراوانی وجود دارد. بهبهانی از مجموعه رستاخیز (۱۳۵۲) به بعد نظام پهلوی را مورد نقد قرار می‌دهد. وی در اشعارش به ناهنجاری‌های حاصل از استثمار حکومت در جامعه توجه ویژه‌ای دارد.

**واژه‌های کلیدی:** سیمین بهبهانی، اریک فروم، استثمارستیزی، جامعه‌شناختی، آدمک‌کوکی، تعهد.

۱- دانش آموخته دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، مرکز تحقیقات زبان‌شناسی کاربردی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.  
st.z\_ghanbaralibaghni@riau.ac.ir

۲- استادیار رشته زبان و ادبیات فارسی، مرکز تحقیقات زبان‌شناسی کاربردی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران. (نویسنده مسئول)  
alizade@riau.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۰

## ۱- مقدمه

در عصر معاصر مقابله با استثمارستیزی یکی از آرمان‌های اجتماعی و موضوعات مهم در ادبیات جهان است. انسان‌ها در فرایند زندگی با یکدیگر ارتباط متقابل پیدا می‌کنند؛ این ارتباطات انسانی برای زندگی اجتماعی آنان از چنان اهمیتی برخوردار است که بدون آن فرد، گروه و جامعه خواهد پژمرد. «افراد و گروه‌ها به صدها شیوه با هم ارتباط متقابل دارند. ارتباط انسانی در جامعه مفاهیم و معانی متفاوتی مانند دوستی، عشق و محبت یا دشمنی، رقابت و تقابل و مانند آن را منعکس می‌کند. هر فرد در رابطه‌اش با فرد یا افراد دیگر است که در زندگی به معنا و مفهوم و هدف خاصی دست می‌یابد» (ستوده، ۱۳۸۲: ۱۰۰). سیمین بهبهانی در کنار غزل‌های احساسی و عاشقانه خویش، به مسائل اجتماعی و استثمارستیزی نیز پرداخته است؛ هر چند اشعار اجتماعی اولیه‌اش، سطحی و فاقد نوآوری و ابداع است، اما همین اشعار، به تدریج، سیر کمال را می‌پوید و در دهه شصت به پختگی می‌رسد و با زبانی صریح‌تر و منسجم‌تر به مسایل بیرون از خود می‌پردازد؛ در واقع، ارتباط این زبان مجازی (شعر) با بیرون را، باید تعهد دانست (ابومحیوب، ۱۳۸۰: ۶۴). شعر بهبهانی از لحاظ اجتماعی جایگاه والایی دارد. «او در مقابل نابسامانی‌های جامعه قد برمی‌افزاید و سکوت را در چنین جامعه‌ای جایز نمی‌داند» (اقتصادی؛ سام خانیانی، ۱۳۸۹: ۱۹۹). وی فضای جامعه را، فضایی خفقان‌آور می‌داند که منتقدان را خاموش می‌کند.

در مقابل اریک فروم با آن که یک روان‌کاو اجتماعی است، اما روان‌کاو است که می‌خواهد یک ایده‌پرداز هم باشد و تمدن انسان‌گرایانه‌ای را که با تمام وجود بدان وابسته و دل‌بسته است، نجات بخشد. او مدعی است که نظریاتش در خصوص سوگیری ثمربخش، ضد استثمار، عشق بارور و اخلاق انسان‌گرا راه‌حل‌های عملی تمدن جدید برای رهایی از بحران است و اگر این راه‌حل‌ها در زمینه‌های اخلاقی، روان‌شناختی، اقتصادی - اجتماعی و سیاسی محقق شوند، جامعه صنعتی، شکوفایی و توانایی خود را باز یافته و به بسط و گسترش خود ادامه می‌دهد. او اعتقاد دارد که رسالت روان‌کاو، حل و فصل بحرانی است که جامعه را فرا گرفته است؛ زیرا انسان‌های بیمار، محصول جامعه بیمار و استثمارزده هستند. او در مقایسه با فروید،

گسترهٔ وسیع‌تری از مسائل را مورد بررسی قرار می‌دهد و بر نقش عامل جامعه‌شناختی تأکید بسیار دارد.

### ۱-۱- بیان مسأله و سؤالات تحقیق

فروم معتقد است که جامعه و فرهنگ می‌تواند انسان را به فردی بی‌اراده، ترسو و بدگمان و به اصطلاح فروم «آدمک کوکی» تبدیل کند که توانایی استثمارپذیری و سرخوردگی را دارد، اما تاریخ نشان داده است که چنین جوامع استثمارپذیری نمی‌توانند زیاد دوام بیاورند؛ زیرا بشر نمی‌تواند ظلم و ستم آنان را بپذیرد و در مقابل آنان واکنش نشان داده و سر به شورش و طغیان می‌نهد. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش‌هاست که آیا واکنش بهبهانی در اشعارش برای مقابله با حکومت پهلوی توانسته است در فروپاشی آن نقش داشته باشد؟ همچنین آیا میان اشعار بهبهانی و نظریهٔ اریک فروم در ارتباط با استثمارستیزی اشتراک و انطباق وجود دارد؟

### ۲-۱- اهداف و ضرورت تحقیق

هدف از این جستار بررسی و تحلیل استثمارستیزی اشعار سیمین بهبهانی بر اساس نظریهٔ اریک فروم و تعیین میزان اشتراک و انطباق میان آن‌هاست.

### ۳-۱- پیشینهٔ تحقیق

پیش از پژوهش حاضر به دلیل دیدگاه تطبیقی نظریهٔ اریک فروم با سیمین بهبهانی، پژوهش‌های دیگری در این زمینه انجام شده است. در مقالهٔ «بازتاب برخی نابسامانی‌های اجتماعی در اشعار سیمین بهبهانی» از عاطفه اقتصادی و علی اکبر سام خانیانی (۱۳۸۹)، نویسندگان با ذکر شواهد شعری بازتابی از نابسامانی‌های اجتماع در اشعار بهبهانی و تبیین و اطلاعات جامعه‌شناختی را بیان می‌کنند. مقالهٔ «نشانه‌های رشد و تباهی در شعر سیمین بهبهانی براساس نظریهٔ اریک فروم» از حسین زری‌فام و دکتر علی دهقان (۱۳۹۳)، با روان‌کاوی شعر سیمین نماد مختصات رشد و تباهی متبلور در روان ناخودآگاه فردی و جمعی دیوان وی را برجسته کرده است. همچنین

مقاله «تحلیل مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار سیمین بهبهانی» از ابراهیم ابراهیم تبار (۱۳۹۶)، که در آن به مؤلفه‌های ادبیات پایداری مانند: مقاومت در برابر دشمن خارجی، انزجار از جنگ و عوامل دشمن درونی آن، مبارزه با فقر در شعر سیمین پرداخته است. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده، جست‌وجوها نشان می‌دهد که تاکنون هیچ پژوهش مستقلی با عنوان «استثمارستیزی در اشعار سیمین بهبهانی با تکیه بر نظریه اریک فروم» صورت نگرفته است.

روش کار در این پژوهش تحلیلی - توصیفی است. در این جستار با فیش‌برداری از اشعار بهبهانی (جلد اول) و با سود جستن از منابع و مآخذ مکتوب در زمینه ادبیات و جامعه‌شناسی به بررسی و تحلیل استثمارستیزی در اشعار سیمین بهبهانی با تکیه بر نظریه اریک فروم، پرداخته شده است.

## ۲- بحث و یافته‌های تحقیق

تطبیق جامعه<sup>۱</sup> بر حسب نیازهای انسان است. «تنها دلیل وجودی جامعه‌های انسانی قادر ساختن انسان‌ها به رفع نیازمندی‌هایشان است» (قنادان و دیگران، ۱۳۷۶: ۶۲). سلامت روان زمانی تأمین می‌شود که انسان طبق خصوصیات و قوانین طبیعت آدمی به بلوغ نایل شود. بیماری روان نتیجه شکست در نیل به بلوغ است؛ بنابراین، معیار سلامت روحی، هم‌رنگی فرد با یک نظام اجتماعی به‌خصوص نیست، بلکه یک معیار کلی و همه‌جانبه معتبر برای کلیه افراد جامعه موجود است که پاسخ قانع‌کننده به مسئله هستی آدمی را دربردارد. «امروزه به فردی برخورد می‌کنیم که کردار و احساسش بی‌اراده و به اصطلاح مانند آدمک کوکی است» (فروم، ۱۳۹۴: ۳۶)؛ با این‌که جامعه و فرهنگ می‌تواند فرد را به آدمک کوکی تبدیل کند و انسان با هر شرایطی خودش را سازگار می‌کند، ولی تاریخ نشان داده است که چنین جامعه‌ای با وجود نقص و عیبی که خود ایجاد کرده نمی‌تواند زیاد دوام بیاورد.

«تقریباً هیچ نوع شرط روانی وجود ندارد که بشر نتواند آن را تحمل کند و به زندگی خود ادامه ندهد. بشر می‌تواند هم آزاد و هم بنده‌وار زندگی کند؛ زندگی مجلل و مرفه یا فقر توأم با نیمه‌گرسنگی، با هر دو سازگار است. می‌تواند جنگ‌جو و

صلح‌دوست یا استثمارگر و راهزن باشد یا به عضویت مؤسسات تعاونی و خیریه درآید، تقریباً هیچ‌گونه وضع روحی نیست که بشر نتواند آن را تحمل نکند، ولی علی‌رغم تمام این شواهد، تاریخ بشر نشان می‌دهد که ما یک حقیقت را ندیده گرفته‌ایم. خودکامه‌گان و گروه حاکم می‌توانند در تسلط و بهره‌کشی از انسان‌ها موفق شوند، ولی نمی‌توانند مانع ظهور واکنش در مقابل رفتار غیرانسانی خود باشند. زبردستان‌شان ترسو، بدگمان و بی‌یار و بی‌پناه می‌شوند و اگر عوامل خارجی مانع نشود، چنین دستگاه خودکامه‌ای لاجرم از نقطه‌ای فرو می‌ریزد؛ زیرا ترس، بدگمانی و بی‌کسی سرانجام بیشتر اقدامات دولت را بی‌اثر و خنثی می‌سازد. می‌توان یک ملت یا گروه‌های اجتماعی را مدت زیادی تحت انقیاد درآورد و استثمار کرد، ولی آنان واکنش نشان می‌دهند؛ واکنش یا با خونسردی، خراب‌کاری هوشمندانه، ابتکار و مهارت نشان داده می‌شود و مردم به تدریج از انجام تکالیفی که برای خدمت به گروه حاکم لازم است، سرباز می‌زنند و یا با نفرت آکنده از ویرانگری نمایان می‌گردند که گویی مردم می‌خواهند خود، اربابان و سیستم را یک‌جا نابود کنند. همچنین واکنش ممکن است آن‌چنان استقلال و اشتیاق به آزادی بارآورد که یک جامعهٔ بهتر بر مبنای انگیزه‌های سازندهٔ آن بنا شود. وقوع هر کدام از واکنش‌های بالا وابسته به عوامل متعددی است: عوامل سیاسی و اقتصادی و عامل روحی مردم» (فروم، ۱۳۹۴: ۳۹).

سیمین از مجموعه رستاخیز (۱۳۵۲) به بعد نظام پهلوی را با صراحت بیشتری نقد می‌کند. او فضای جامعه را فضای خفقان‌آوری می‌داند که حتی هوایی برای تنفس ندارد. صداها خاموش می‌شود و افراد به ناچار سکوت و گوشه‌نشینی را اختیار می‌کنند. بهبهانی در یکی از اشعارش «نیزار» را نماد جامعه می‌داند و «نی» را نماد افراد اجتماع که با ناله‌های آنان جامعه نام و نشان پیدا می‌کند:

نیزارها ز ناله‌نی‌ها نشانه‌اند      موسیقی نوشته به دست زمانه‌اند

(بهبهانی، ۱۳۹۴: ۳۶۹)

در این جستار به واکاوی شورش در برابر استثمارگران، تعهد به آرمان‌های

اجتماعی و خانواده کارگزار روانی اجتماع می‌پردازیم.

## ۲-۱- شورش در برابر استثمارگران

بهبهانی شاعری است که به دنبال یافتن راهی برای مدارا با جامعه‌ای سراسر نابسامان است. با نگاهی ساده در آثار سیمین می‌توان دریافت که او نسبت به دردهای جامعه و ناهنجاری‌های آن توجه خاص داشته و همراه با مسائل جامعه خویش حرکت کرده است. او شاعری حسّاس است که نمی‌تواند حسّاسیت خویش را نسبت به دردها و رنج‌های توده مردم پنهان کند و از این‌رو نه‌تنها از درون خود بلکه از درون وجود مردم رنج‌دیده فریاد برمی‌آورد و شعرش را انعکاس دردها، رنج‌ها، کمبودها و نبودها می‌سازد. او می‌خواهد همچون وجدانی بیدار بیرون از مرزبندی‌های زمانه بایستد و از خرده‌گیری جامعه خویش چشم‌پوشد. او رنج و عذاب مردم را که سراسر زندگی آن‌ها را دربرگرفته است و از مقابل چشمانش عبور می‌کنند، به تماشا می‌نشیند:

دیدم آن رنج‌ها که ملت من می‌کشد روز و شب ز دشمن خویش  
دیدم آن نخوت و غرور عجیب که نیارد فرود، گردن خویش

(همان: ۳۱)

سیمین مستبدان حاکم بر جامعه را دیوانی می‌داند که مردم چون فرشتگانی در پنجه این دیو بی‌رحم و خشمگین اسیر شده‌اند. ملّتی که صبرشان لبریز شده است و از ترس این دیو خواب و آرامش ندارند:

«سال‌ها پیش از این، فرشته من / بند بر دست و مهر بر لب داشت / در نگاه غمین  
دردآمیز / گله‌ها از سیاهی «شب» داشت / سال‌ها پیش از این فرشته من / بود نالان میان  
پنجه دیو / پیکرش نیلگون ز داغ و درفش / چهره‌اش خسته از شکنجه دیو / دیو، بی‌رحم و  
خشمگین، او را / نیزه در سینه و گلو کرده / مستی از خون او به لب برده / پوزه خود در آن  
فرو کرده / زوزه از سر خوشی برآورده / که «درین خون، چه نشئه مستی ست! / وه که این  
خون گرم و سرخ، مرا / راحت‌جان و مایه هستی ست! / زان ستم‌های سخت طاقت‌سوز»

خون آزادگان به جوش آمد/ ملت‌ی کینه‌جوی و خشم‌آلود/ تیغ بگرفت و در خروش آمد:/  
مردمی، بند صبر بگسسته/ صف کشیدند پیش دشمن خویش/ تا سر اهرمن به خاک افتد،/  
ای بسا سر جدا شد از تن خویش./ اینک این‌جا فتاده لاشه دیو/ ناله، از فرط ضعف،  
برنکشد/ لیک، زنهار! ای جوانمردان/ که دگر دیو تازه سر نکشد» (بهبهانی، ۱۳۹۴: ۸۰-۸۲).

نتیجه سلطه پادشاهان مستبد چنین نیست که تنها در کاهش قوای مادی  
مملکت خود را نشان دهد، بلکه آثار آن در کاستن قوای معنوی مردم نیز دیده  
می‌شود. «فضای استبدادی پر از پستی، خیانت، شهوت‌پرستی، طمع‌کاری و  
رشوه‌خواری است و چنین فضایی فرصت بسیار مناسبی برای نفوذ بیگانگان و انجام  
فعالیت‌های استعماری پدید آورده است» (نجفی، ۱۳۷۶: ۲۵۰).

امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> در جمله‌ای که در نامه ۲۶ نهج‌البلاغه است، می‌فرماید: «بزرگترین  
خیانت‌ها، خیانت به جامعه است، خیانت به فرد هرگز در حد خیانت به جامعه نیست»  
(دستی، ۱۳۷۹: ۵۲۸)؛ بنابراین اسلام با استعمار هم مبارزه می‌کند؛ اگرچه این استعمار  
در آن زمان نبوده است. «در زمان امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> مبارزه بر ضد استعمار آن‌چنان‌که  
در این زمان‌ها وجود دارد، وجود نداشته ولی در برنامه و طرح‌های اسلام چیزهایی که  
شامل مبارزه با استعمار هم بشود، به نحو اکید و شدید وجود دارد، اصول کلی هست  
که این اصول کلی در همه جا وجود دارد» (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۸).

سیمین با سرودن اشعار اجتماعی خود نشان می‌دهد که از جامعه و مردم و درد  
آن‌ها جدا نیست و ذره ذره ناگواری‌های آن‌ها را با تمام وجود خویش احساس  
می‌کند و در تمامی غم‌ها خود را شریک می‌داند و ابراز همدردی می‌نماید، اما  
همدردی نمی‌یابد. او خود در برخی اشعارش به طور ضمنی نشان می‌دهد که طعم  
تلخ بحران‌های اجتماعی را چشیده است و در بسیاری موارد این‌گونه به نظر  
می‌رسد که گویا خود او یکی از قربانیان شرایط اجتماعی است و ندای انسانی از  
عمیق‌ترین لایه‌های وجدان او بر می‌آید:

وه! که یک اهل دل نمی‌یابم      که به او شرح حال خود گویم:  
محرمی کو که، یک نفس، با او      قصه پر ملال خود گویم؟

هر چه سوی گذشته می‌نگرم      جز غم و رنج حاصلم نبود...  
چون به آینده چشم می‌دوزم      جز سیاهی مقابلم نبود...  
گاه گویم که: - سر به کوه نهم      سیل آسا خروش بردارم  
رشته عمر و زندگی ببرم      بار محنت ز دوش بردارم

(بهبهانی، ۱۳۹۴: ۷۲-۷۳)

بسیاری از مردم سکوت اختیار می‌کنند و این سکوت تأثیر به‌سزایی در آینده کشور دارد و بهبهانی ریشه تمامی خرابی‌ها و انحطاط ایران را در همین سلطنت مطلقه می‌داند و رهایی از آن را چاره‌ای جز نفرت و نفرین نمی‌داند:

چه سکوت سرد سیاهی!      چه سکوت سرد سیاهی!  
نه فراغ ریزش اشکی      نه فروغ شعله آهی  
نه به چهره تو خراشی      ز درون خسته، نشانی  
نه به سینه تو، خروشی      ز دل شکسته، گواهی  
چه به جز دمیدن سرخی      که شکفته از گل زخمی؟  
چه به جز دویدن سُرپی      که نهفته در خم راهی؟  
به نسیم کوی شهیدان      نفرستی از چه درودی؟  
که غمین گذشته ز دشتی      نه گلی در او، نه گیاهی...  
من و بانگ نفرت و نفرین      که نمانده چاره به جز این  
تو و همنوایی «آمین»،      چو فغان کنم که «الاهی...»

(همان: ۵۸۳-۵۸۴)

ادبیات همواره از سرشت و آزادی خود پاسداری می‌کند و اگر در مسایل اجتماعی، رویدادها و انکار عقاید موجود در جامعه خود شرکت می‌کند، تنها از اراده آزاد و احساس اصیل آن سرچشمه می‌گیرد:

امسال فروردین      شاید تووانم دید

باغی که آذینش گل‌های پرپر نیست  
این عطر آزادی‌ست کز راه می‌آید  
آری، نسیم این‌سان هرگز معطر نیست

(همان: ۵۹۴)

## ۲-۲- تعهد به آرمان‌های اجتماعی

در سروده‌های بهبهانی در دوران پیش از انقلاب آثار «تعهد» به آرمان‌های اجتماعی مشهود است. او خود می‌گوید که بخش مهم و جالب کارهایش به شرح دردها و ناخشنودی‌های مردم اختصاص داشته و از همین روست که هم منتقدان ادبی و هم خوانندگان عادی اشعارش، به‌ویژه «طبقات مظلوم و محروم» جامعه، به استقبال سروده‌هایش رفته‌اند. اشعار سیمین از ابتدا «صبغه‌ای واقع‌گرایانه داشت و شاعر به واقعیات تلخ، غم‌انگیز و حتی نفرت‌آور اجتماع توجه نشان می‌داد» (حسین پورجافی، ۱۳۸۴: ۱۰۳). دغدغه اصلی او در «جای پا» (۱۳۳۵)، که به شرح زندگی فاحشه‌ها، مرده‌شوی‌ها، رقاصه‌ها، کودکان بیمار و دانشجویان فقیر<sup>۳</sup> می‌پردازد، بیان بی‌عدالتی‌های اجتماعی است که زن و مرد را به یکسان قربانی خود می‌کند. در شعر «جیب‌بر» می‌گوید:

من ندانم که پدر کیست مرا    یا کجا دیده گشودم به جهان  
که مرا زاد و که پرورد چنین    سرپستان که بردم به دهان  
خفته، با حسرت نان    گوشه مسجد و برکهنه حصیر

(همان: ۳۷)

زبان بهبهانی در این‌گونه اشعار، زبانی نمادین و معطوف به بینوایان و ستم‌دیدگان جامعه است که همچون مبشر انقلاب سیاسی به مخالفت با بی‌عدالتی می‌پردازد. در مقدمه یکی از مجموعه‌هایش می‌نویسد: «من خنده رنگین کمان را در ذره ذره‌های باران دیده‌ام. من رازهای مگو را در کتاب سبز بهار خوانده‌ام، تغییر فصل سترون، به گل کردن و رسیدن میوه‌ها» (بهبهانی، ۱۳۶۷: ۱۲۷).

او مانند دیگر شاعران و نویسندگان پیش از انقلاب، نشانه‌های رمزی ادبیات متعهد را به کار می‌گیرد و از استعاره‌هایی مانند سترون، سرد و سکوت برای اشاره به خفقان، از بهار و رنگین‌کمان برای بازآفرینی احساس انقلاب و از آفتاب و خنده برای برکشیدن آزادی استفاده می‌کند و بدین ترتیب، از چنگال سانسور نیز می‌گذرد. سیمین به جامعه و مردم نگاهی ویژه دارد و به آن جایگاهی خاص بخشیده است. او با بیان نابسامانی‌های جامعه نشان می‌دهد که رنج‌ها و دردهای طبقات محروم جامعه را به خوبی حس می‌کند. شعر «پرواز توانی آیا؟» که در آبان ۱۳۵۷ سروده شده است، آوای دردناکی برآمده از نهاد پر سوز و گداز خلقی مبتلا به فقر و محرومیت و بی‌گمان اشاره‌ای به یک رویداد محسوس اجتماعی (آزادی زندانیان) دارد. شاعر در نخستین بیت، فیلسوفانه می‌پرسد که آیا پرنده‌ای که زندانی شده هنوز می‌تواند پرواز کند؟ و آیا شیر در زنجیر به سر برده هنوز به معرکه جنگ و شکار تواند اندیشید:

پرواز توانی آیا ای طایر بند آّمخته؟  
پیکار پسندی آیا ای شیر کمند آّمخته؟

(بهبهانی، ۱۳۹۴: ۵۸۷)

پرسش بنیادین دیگر این است که آیا زندانی آزاد شده یا هرکسی که زندگی پر رنجی را در بند و تنگنا گذرانیده باشد، برای آن که به ایده‌های بزرگ خویش پای‌بند بماند، همچنان می‌تواند به ایده‌آل‌های خویش در جامعه پای‌بند باشد:

افرای تناور بودی پرشاخه بارور بودی  
ایستاده به معبر بودی صدگونه گزند آّمخته

(همان: ۵۸۷)

شعر می‌تواند از آستانه اندیشه‌ها و احساس‌های فردی فراتر رود و چیزی را در جهان واقعیت دگرگون سازد. «پرواز توانی آیا؟» نه تنها شیوه درک شاعر از دوران را پدیدار می‌کند، بلکه دل‌نگرانی‌های بهبهانی نسبت به زشتی جامعه و زمانه را به تصویر می‌کشد.

## ۲-۳- خانواده کارگزار روانی اجتماع

از نظر فروم هر فرد تحت تأثیر شرایط اجتماعی خویش عمل می‌کند و نیروهای درونی او وظیفه دارند تا این انطباق را انجام دهند. در مبحث تعلیم و تربیت ضمن آن که خانواده را یکی از مهم‌ترین نهادهای تسهیل‌کنندهٔ این وظیفه می‌داند، می‌گوید: «بنابراین می‌توان خانواده<sup>۴</sup> را عامل یا کارگزار روانی اجتماع دانست» (فروم، ۱۳۶۶: ۲۷۸). شعر سیمین بی‌تردید در پی مطرح کردن اهداف و خواست‌های اجتماعی است که تأثیر محیط و خانوادهٔ او به طور غیر قابل انکاری در آن مشهود است. «سیمین چون در خانواده‌ای که ادبیات و سیاست از آن جدا نشدنی بوده زندگی و رشد کرده، خواه ناخواه شاعری اجتماعی و سیاسی بار آمده است و همچنین به علت شغل او که تدریس بوده او را با تودهٔ محروم جامعه آشنا ساخته و این کمبودهای زندگی مردم مخصوصاً دانش‌آموزان و شاگردان او که سیمین به آن‌ها عشق<sup>۵</sup> می‌ورزد، در جای جای آثار سیمین به چشم می‌خورد» (دهباشی، ۱۳۸۳: ۳۷۵).

ادبیات نیروی فعالی است که می‌تواند انسانیت را از بردگی به رهایی برساند. به هر روی سیاست و ادبیات، نشان اندیشمندی را با خود دارد که آثار هوشمندانه‌اش راه‌گشای مطالعات فرهنگی در جهان معاصر بوده است:

آری حکایتی بود	سرب از دهان پولاد
تکبیر گو به هر سو	فریاد خوان به هر کو
عرش خدا روان بود	بر موج‌های فریاد
این تیر بود و آن، هم	تن را گرفت و جان، هم...
وحشت فزا شبی بود	نفرین به هر لیبی بود
کای مرگ و ننگ و نفرت	بر آیت ستم باد!

(بهبهانی، ۱۳۹۴: ۵۸۹-۵۹۰)

بهبهانی- همان‌طور که بارها اعلام کرده است - مانند بسیاری از دیگر از فعالین حوزهٔ سیاست و ادب اعتقاد دارد، وجود نظام‌های دیکتاتوری و آرمان‌های مشروطه هیچ‌گاه به وقوع نپیوستند، شاعر اکنون بر گور آن آرزوها ایستاده و نیروهای اهریمنی

هزار ساله‌ای را که سدّ راه مردم و آرزوهای دیرین آنان است، به مقابله می‌طلبید:

اگر چه صد ساله مرده‌ام      به گور خود خواهم ایستاد  
که بردرم قلب اهرمن      ز نعره آن چنان خویش  
کسی که "عظم رمیم" را      دوباره انشا کند به لطف  
چوکوه می‌بخشدم شکوه      به عرصه امتحان خویش

(همان: ۷۱۱)

استفاده از واژه اهرمن<sup>۶</sup> نیز که مفهومی زرتشتی دارد، اشاره‌ای است به ستیزه همیشه‌گی نیکی و بدی در باورهای دینی ایرانیان کهن، اما شاعر از همین مفهوم باستانی، گذری دارد به اسلام و قرآن (بقره/ ۱۷۸) که در آن به مفهوم «عظم رمیم» (معجزه‌ای که استخوان‌های پوسیده را جان و روح می‌بخشد) اشاره شده است. سیمین درباره استعمارگران خارجی و هجوم آنان به وطن اشعار زیادی سروده است. وی با نگاهی مادرانه که ریشه در عشق مادرانه<sup>۷</sup> و زندگی وی دارد، در شعر «بار بر دوش آن‌هاست» با بزرگداشت شهیدان وطن که جان خود را برای پاسداری از سرزمین و جلوگیری از هجوم بیگانگان تقدیم کرده‌اند، چنین به تصویر می‌کشد:

ما چه کردیم باری      ناله‌یی، شکوه‌واری  
شد وطن زنده‌آما      زان جوان‌ها و جان‌ها

(همان: ۷۲۱)

وی از شاعرانی است که «احساس لطیف مادرانه نقش شهدا را برای حفظ وطن و هویت ایران، نقش اصلی و دیگر نقش‌ها را فرعی می‌داند» (لک، ۱۳۸۴: ۱۲۸). شاعر به‌وسیله پیوند سمبلیک با مادر، بت، قبیله، ملت، طبقه، مذهب، و با انجمن اخوت و سازمان حرفه‌ای خود می‌تواند، ارتباط و اتحاد میان آن‌ها را گسترش دهد. «البته اغلب چند شکل اتحاد توأم می‌شوند و گاهی صورت وجدآور و مهیج به خود می‌گیرند؛ مانند حالاتی که در بعضی از ادیان یا موقع جنگ در مردم دیده می‌شود» (فروم، الف ۱۳۸۸: ۱۴۵).

## پی نوشت

۱- در پاسخ به این پرسش که جامعه چیست و چرا تشکیل می‌شود؟ سه دیدگاه اصلی وجود دارد:

جامعه پدیده‌ای غیرطبیعی و قراردادی: از این منظر جامعه اصلتی از خود ندارد، بلکه انسان‌ها به‌خاطر تأمین منافع و امنیت خود تن به قرارداد زندگی اجتماعی می‌دهند. انگیزه‌ی این کار از نظر توماس هابز Thomas Hobbes (۱۶۷۹-۱۵۸۸) ترس هر انسان از دیگری، از نظر ژان ژاک روسو Jean-Jacques Rousseau (۱۷۷۸-۱۷۱۲) وحدت با دیگران و از نظر جان لاک John Locke (۱۷۰۴-۱۶۳۲) حفظ دارایی‌هایش بوده است. این نظریه که بر فردگرایی استوار بوده بن‌مایه نظریه‌های لیبرالیستی قرن هجدهم نیز قرار گرفت، اما به مرور زمان از قوت آن کاسته شده است.

جامعه یک کل تجربه‌ناپذیر و ماتقدم: این نظریه همراه با شکل‌گیری جامعه‌شناسی به‌عنوان رشته‌ای علمی صورت‌بندی شد و مسیر افراط را در جهت عکس نظریه اول پیمود، جامعه را اصل و انسان را مدنی‌الطبع قلمداد کرد. هر چند جامعه از افراد و گروه‌ها تشکیل شده، ولی حقیقت فرد را باید در جامعه جست‌وجو کرد. جامعه به‌مثابه کل، بر فرد به‌مثابه جزء سیطره دارد. این اندیشه‌ها دارای نوعی جمع‌گرایی و بی‌اعتنایی به فرد بوده‌اند. اگوست کنت Auguste Comte (۱۷۹۸-۱۸۵۷)، هربرت اسپنسر<sup>۱</sup> (۱۹۰۳-۱۸۲۰) و امیل دورکیم Herbert Spencer (۱۹۱۷-۱۸۵۸) را باید از طراحان اصلی این دیدگاه برشمرد.

جامعه حاصل تعامل بین افراد و گروه‌ها: در این نظریه، برعکس دو نظریه قبلی، فرد به‌کلی در جامعه مستحیل نمی‌شود تا به هیچ‌وجه در معادله‌های اجتماعی به‌حساب نیاید و نیز جامعه یک کلّ ماتقدم که از پیش بر اجزا و اعضای خود مسلط باشد، تصوّر نمی‌شود. این نگرش توسط جورج زیمل Georg Simmel (۱۹۱۸-۱۸۸۵) مطرح شد و در مسیر بعدی جامعه‌شناسی در قرن بیستم تأثیر زیادی گذاشت (نقیب‌زاده ۱۳۸۸: ۶-۱۷).

۲- وی در نامه ۲۰ نیز به زیاد ابن ابیه جانشین فرماندار بصره می‌نویسد: «همانا من به راستی به خدا سوگند می‌خورم، اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، چنان بر تو سخت گیرم که قادر به تأمین معاش عیال خود نیز نباشی» (دستی، ۱۳۷۹: ۴۹۹).

۳- وی در شعرمجموعه «جای پا» با حضور در مناطق جنوب شهر بیشتر این تصاویر را به نمایش می‌گذارد. شعرهای این مجموعه «نمایشی است از روح رنج‌دیده و اجتماعی

شاعر» (زرقانی، ۱۳۸۳: ۳۸۳).

۴- فروم معتقد است که رنسانس پدرسالاری اثرات مثبت و منفی را در مالکیت جامعه از خود به جای گذاشته است. از جنبه‌های مثبت جامعه پدرسالار می‌توان به «گرایش به منطق و رشد وجدان اجتماعی و فردی» (فروم، ۱۳۹۴: ۸۱) اشاره کرد. برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ جامعه پدرسالار و مدارسالار ر.ک: «زبان از یاد رفته»، ب۱۳۸۸: ۲۳۰-۲۵۷.

۵- برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به مقالهٔ «انگیزه‌های عشق‌ورزی در اشعار سیمین بهبهانی با تکیه بر نظریه اریک فروم» (قنبرعلی باغنی، ۱۳۹۶: ۱۱۱-۱۳۱).

۶- اهریمن در اوستایی انگره مینو (بدنهاد) است. اهریمن پلید است و برای از بین بردن نیکی تلاش می‌کند، ولی چون دون و پست مایه است و اهورامزدا آگاه بر هر چیز است، پس سرانجام در پایان کار اهریمن نابود شده و اورمزد بر او چیره می‌شود و کار جهان یکسره به نیکی خواهد گرایید. از دیدگاه شهزادی اورمزد و اهریمن نزد پروردگار بد یا خوب نمی‌بیند، بلکه لازم و ملزوم یکدیگر می‌خواند، ولی هنگامی که این دو نیرو را با میزان اندیشه و پندار خود می‌سنجیم، یکی را نیک می‌پنداریم و دیگری را بد و حتی همین نیکی و بدی‌ها صورت گسترده و مطلق ندارند و بنا به محیط و زمان و مکان هر گروهی از مردم، این پندار فرق می‌کند؛ زیرا در جایی کاری را برخلاف دیگران نیک یا بد می‌دانند (شهزادی، ۱۳۶۰: ۲۳). آغاز نبرد اورمزد و اهریمن، زمان معین شده برای آن، توصیف کامل آفرینش اورمزدی و اهریمنی و سرانجام کار اهریمن در متن‌های پهلوی به صورت‌های متفاوتی آمده است. اما، امروزه، به باور پارسیان هند، اهریمن نمودی از تمایلات اهریمنی است و از این رو نبرد واقعی میان اورمزد و اهریمن در روح هر انسان در تمامی جهان ادامه دارد. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: مقالهٔ «واژهٔ اهریمن در ادبیات سغدی بودایی» (زرشناس، ۱۳۷۹: ۴۲-۵۱).

۷- برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ عشق مادرانه در اشعار سیمین بهبهانی ر.ک: «تفسیر کاربردی گونه‌های مختلف معشوق در اشعار سیمین بهبهانی با تکیه بر نظریات اریک فروم» (قنبرعلی باغنی و اوجاق علیزاده، ۱۳۹۶: ۲۷۳-۳۱۰).

### ۳- نتیجه گیری

بر طبق نظریه فروم خودکامه‌گان و گروه حاکم در هر جامعه‌ای اگرچه بتوانند بر مردم تسلط یابند، اما نمی‌توانند مانع واکنش شورش و طغیان افراد اجتماع شوند. این واکنش ممکن است موجب فروپاشی دستگاه حاکم و استثمارزده جوامع گردد. بهبهانی توانسته است با اشعار خود این واکنش را به جامعه عرضه کند. وی با تعهد به آرمان‌های اجتماعی، شورش مقابل استثمارگران و پای‌بندی به خانواده به عنوان کارگزار روانی اجتماع که هر فرد را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، با نظریه فروم انطباق و اشتراک دارد. مجموعه‌های نخست وی بیشتر مسایل عاشقانه را به صورت سطحی بازتاب می‌دهد، اما از مجموعه رستاخیز به بعد، نگاه او به معضلات اجتماعی و سیاسی عمیق‌تر می‌شود. شاید بتوان گفت که سیمین از سیر درونی آغاز کرده و به درد بشری و افکار برونی و جمعی روی آورده است. او تمام این دردها را با عواطف شاعرانه به تصویر می‌کشد. شعر سیمین شعر فریاد است؛ فریاد دردهای انسان‌هایی که زیر تازیانه استبداد و ستم سکوت اختیار کرده بودند.

## کتابشناسی

- ۱- قرآن، (۱۳۶۶)، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: بنیاد نشر قرآن.
- ۲- ابومحبوب، احمد، (۱۳۸۰)، *در های و هوای باد*، تهران: ثالث.
- ۳- اقتصادی، عاطفه؛ سام خانیانی، علی اکبر، (۱۳۸۹)، «*بازتاب برخی نابسامانی‌های اجتماعی در اشعار سیمین بهبهانی*»، نخستین همایش ملی ادبیات فارسی و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، صص ۱۹۶-۲۲۳.
- ۴- بهبهانی، سیمین، (۱۳۹۴)، *مجموعه اشعار*، تهران: نگاه.
- ۵- ..... (۱۳۶۷)، *از بوته خوشبوی گلپر (گزینه اشعار)*، تهران: مروارید.
- ۶- حسین پور جافی، علی، (۱۳۸۴)، *جریان‌های شعری معاصر فارسی*، تهران: امیرکبیر.
- ۷- دشتی، محمد، (۱۳۷۹)، *ترجمه نهج البلاغه*، قم: مشرقین.
- ۸- دهباشی، علی، (۱۳۸۳)، *زنی با دامنی از شعر*، چاپ اول، تهران: نگاه.
- ۹- زرشناس، زهره، (۱۳۷۹)، «*واژه اهریمن در ادبیات سعدی بودایی*»، نامه فرهنگستان، شماره ۱۶، صص ۴۲-۵۱.
- ۱۰- ستوده، هدایت الله، (۱۳۸۲)، *روان‌شناسی اجتماعی*، چاپ هفتم، تهران: آوای نور.
- ۱۱- شهزادی، رستم، (۱۳۶۰)، *برگردان گات‌ها: پیدایش زرتشت، آمادگی زمینه برای ظهور، رسالت زرتشت، آموزش‌های زرتشت*، تهران: فردوس.
- ۱۲- فروم، اریک، (۱۳۹۴)، *جامعه سالم*، ترجمه اکبر تبریزی، چاپ هفتم، تهران: بهجت.
- ۱۳- ..... (الف ۱۳۸۸)، *داشتن یا بودن*، ترجمه اکبر تبریزی، چاپ دهم، تهران: فیروزه.
- ۱۴- ..... (ب ۱۳۸۸)، *زبان از یاد رفته*، ترجمه ابراهیم امانت، چاپ نهم، تهران: فیروزه.
- ۱۵- ..... (۱۳۶۶)، *گریز از آزادی*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، چاپ چهارم، تهران: مروارید.
- ۱۶- قنادان، منصور و دیگران، (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی مفاهیم کلیدی*، چاپ دوم، تهران: آوای نو.
- ۱۷- قنبرعلی‌باغنی، زهرا؛ اوجاق علیزاده، شهین، (۱۳۹۶)، «*تفسیرکاربردی گونه‌های مختلف معشوق در اشعار سیمین بهبهانی با تکیه بر نظریات اریک فروم*»، فصل‌نامه

تخصّصی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیّات فارسی، دورهٔ ۹، شمارهٔ ۳۲، صص ۲۷۳-۳۱۰.

۱۸- .....، (۱۳۹۶)، «ماهیت عشق در اشعار سیمین بهبهانی با تکیه بر دیدگاه اریک فروم»، فصل‌نامهٔ علمی-پژوهشی اضاءات نقدیه، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۱۱۱-۱۳۱.

۱۹- لک، منوچهر، (۱۳۸۴)، هویت مّلی در شعر دفاع مقدّس، فصل‌نامهٔ مطالعات مّلی، سال ششم، شمارهٔ ۲، صص ۱۱۱-۱۳۲.

۲۰- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۷)، آینده انقلاب اسلامی ایران، قم: صدرا.

۲۱- نقیب‌زاده، احمد، (۱۳۸۸)، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، چاپ هفتم، تهران: سمت.

۲۲- نجفی، موسی، (۱۳۷۶)، بنیاد فلسفه سیاسی در ایران (عصر مشروطیت)، جلد ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.